

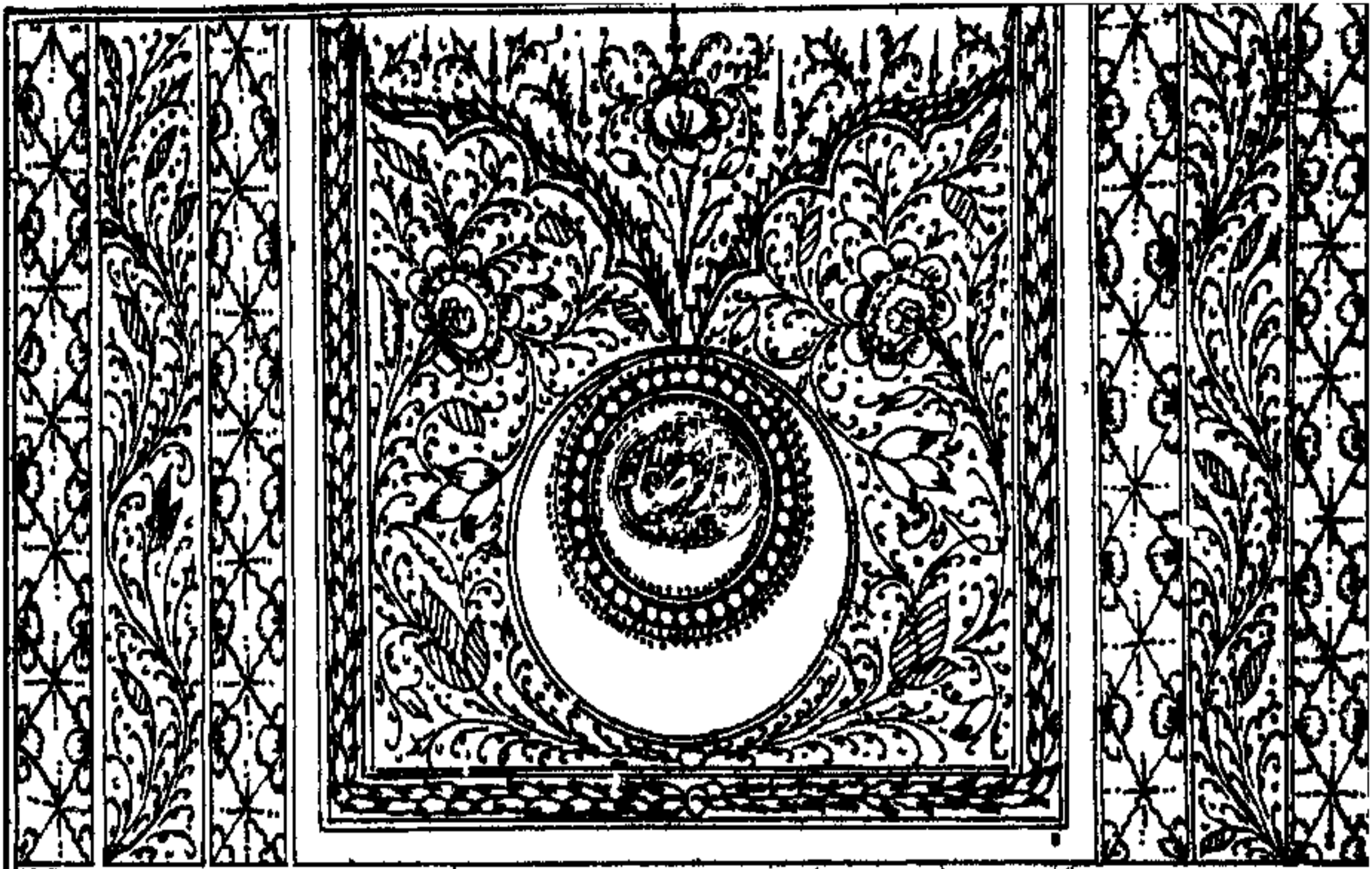
# وما توفی الله الا بالعباد

این مختصر است فطرت و انکساری کسراستین حسن و دورین است



تالیف نواب مستطاب معالی القاب محترم الدوله نواب عوث محمد خان بهادر شوکت جنگ

در شهر بمبئی مطبع محمد محمد بن عبد الله بن حسین محلیه طبع پور



الحمد لله رب العالمين بسم الله الرحمن الرحيم

همه فراوان و ستایش بی پایان شایسته شان جلالت نشان شهنشاه کون و مکان مالک عرصه زمین و آسمان  
تواند بود که ز نام اقتدار سلطان روزگار و عیان اختیار و آفرین دوز و آرزو بد قدرت عالمگیر اوست  
و در و در صلواته بیغایت و نعت و ثنائی بی نهایت سزاوار اید و روح مقدس جناب جهان لجامی  
که بیف نور اخلصه ارض و سما که افسر و سر بر ملوک خاقان و تخت و دیهیم خسروان مشرق  
زیر سایه چتر اقبال جهانگیر او اما بعد میگوید اصعب العباد و الله المنان محترم الدوله غوث محمد خان  
ابن افتخار الدوله نواب عبدالغفور خان مرحوم رئیس جاوید که اکثر و سالی مالوه و ساکنین این ملک  
از ایسما و احوال بادشاهان اسلام که در اقلیم بکران سبزوستان سلطنت فرموده اند محض با واقف  
ولا یعلم یو و نذ لهذا این نیاز گزین حضرت جهان آفرین در سنه کهر از دو صد و معاد و دو بحر می  
به تکلیف بعضی مجانب صادق و سابقان و اثق این نسخه افادت آثار بطریق ایجاز و اختصار از کتب  
تسلح قدیم و جدید انتخاب نموده به پشت جدول ترتیب داده و نام این صفحات را مجمع السلاطین  
نهادیم که ناظران این مجلد اول را به تردد و درنی گردانی کتب بشمار و تکلیف تلاشهای بسیار

از این کتب

کتابهای

تاریخ

که بر مقصود بدست آید و فرمود حاصل شود اکنون از حدیث عالمان علم تواریخ مترجمم که اگر درین مختصر سنو و سخا  
 به علم آمده باشد یا از عدم تحقیق که جمعه غلط را صحیح پنداشته عیب پوشی را کار فرمایند و عذر اختلاف کتب مقبول سازند  
 بعد از اول در فکر اسامی پادشاهان اسلام از طبقه غوریان و خلجیان و لودمیان که بعد از قرامن و اختتام  
 حکومت راجگان هند و قبل از استیلای سلاطین حجتا یعنی اولاد امیر تیمور گورکان  
 در مملکت سلطنت پادشاهی و روایت افعال و کشور کشا بر او نوشته بودند

سلطان قطب الدین ایبک که غلام و سپه سالار شهاب الدین  
 غوری بود و او دشتیاب الدین و رعایت خود در هند گشته  
 رفته بود قطب الدین در لاهور و در گشته بحری بر تخت گشته  
 و بی رادار سلطنت خود ساخت و در گشته در مقام  
 و در حالت پوگان بازی از لب افتاده بر مدت سلطنت پنجال  
 سلطنت پناه تاریخ وفات اوست

محمد معز الدین عرف شهاب الدین غوری بن مام و در گشته بحری  
 رای پتور را گشته و جنگ راجه بی چند فتح نموده در گشته  
 پادشاه شده و گشته بموضع دیک توابع غزنین از دست  
 یکی از فدائیان قوم کله بشارت رسیدت سلطنت  
 سه سال تاریخ وفات صاحب التیمور

سلطان شمس الدین التمش ترک نژاد که غلام و داماد قطب الدین  
 بود آرام شاه شکست داده پادشاه شد بدت سلطنت  
 ست و شش سال بعد سلطان رکن الدین  
 پسرش شش ماه بدت یوم سلطنت کرد

سلطان آرام شاه بن قطب الدین ایبک در لاهور بعد  
 پد تخت نشین شد و در جنگ شمس الدین التمش داماد  
 قطب الدین گشته شد  
 بدت سلطنت یک سال

سلطان معز الدین بهرام شاه بن سلطان رکن الدین  
 فیروز بخت بن سلطان شمس الدین التمش بر تخت  
 سلطنت نشست و در گشته گشته شد  
 بدت سلطنت دو سال و یک ماه

سلطان رضیه بنت شمس الدین التمش بمصالح امرا  
 معز ولی رکن الدین برادرش لباس مرغانه پوشیده  
 پادشاه شد و در گشته بحری گشته شد  
 بدت سلطنت سه سال و شش ماه

<p>سلطان ناصر الدین محمود پشاه برادر علاء الدین مسعود شاه بہ تخت نشینت وزیرش غیاث الدین بلبن مجوس ساختہ مدت سلطنت چہ سال</p>	<p>سلطان علاء الدین مسعود شاہ پشہر الدین التمش دور بعض مقام پسرکن الدین نوشتہ اندوختہ بحری و دلیت خیانت سپردت سلطنت چہار سال و چہ ماہ</p>
<p>سلطان معز الدین کیقباد نیرہ غیاث الدین بلبن غایبانہ پہر خودیکہ درنگالہ بود در ۶۸۵ شہ بحری بہ تخت دہلی نشست و در جنگ ملک فیروز خلجی کشتہ شد مدت سلطنت چہ سال</p>	<p>سلطان غیاث الدین بلبن غلام التمش کماز اولاد انرا سیاب بود و نظام الدین اولیا و امیر خسرو شیخ سعدی ہم عصر او بودند در ۶۶۲ شہ بہ تخت دہلی نشست مدت سلطنت بت و کیال</p>
<p>سلطان علاء الدین خلجی برادر زاده و داماد جلال الدین فیروز خلجی عم خود را کشتہ تخت نشین دہلی شد مدت سلطنت بت و چہار سال بعد شہاب الدین پسرش معز سدر اکافر غلام دشاه بہ تخت سلطنت نشاند و دیگر برادر کلاش را مقتدرت سلطنت شہ ماہ فتح قلعہ شہر عشق پر پاشا از اجہ زین بن منسوی بہین تا و سادہ</p>	<p>سلطان جلال الدین ملک فیروز خلجی بعد معز الدین تخت نشین دہلی شد و در ۶۹۵ شہ از دست علاء الدین مقتول شد مدت سلطنت معز سال</p>
<p>ناصر الدین خسرو شاہ غلام معسوق مبارک شاہ مذکور در ۶۱۱ شہ بادشاہ را کشتہ تخت نشین دہلی شد و بعد پنجاہ مقتدرتہ از حکم غازی ملک یعنی تعلق شاہ کشتہ شد مدت سلطنت دویم ماہ</p>	<p>سلطان قطب الدین مبارک شاہ بن علاء الدین خلجی بعد علی و پسر وزیر از قدر نامی یافتہ و کافر را کشتہ تا دو ماہ کار سلطنت از طرف برادر خود شہاب الدین مذکور سر انجام میرا بعد از ان او را کھول ساختہ در ۶۱۱ شہ بادشاہ و از دست خسرو نام وزیر کشتہ شد مدت سلطنت چہار سال و ماہ</p>
<p>سلطان محمد تعلق شاہ بن غیاث الدین تعلق شاہ بعد وفات برادر دہلی بہ تخت سلطنت نشست و در ۶۳۵ شہ قلعہ مگڑ کوٹ را فتح کرد و در ۶۳۵ شہ ہارت ہر استون و قلعہ مصر آباد تعمیر ساخت و سہ لک و سہ ہزار و پنجاہ سوار لازم داشت در ۶۳۵ شہ برکنر در پای سندہ در گذشت مدت سلطنت ۲۵ سال</p>	<p>سلطان غیاث الدین تعلق شاہ بعد کشتن خسرو شاہ مذکور باقی امراء و وزرا بہ تخت سلطنت دہلی نشست و در ۶۳۵ شہ بحری سقف خانہ چولی کہ پسرش برای ضیافت او تہ تیغ بر سرش افتاد و بجان داد لفظ خلیفہ تاریخ وفات او مدت حکومت ۳۵ سال و معز شاہ</p>

ذکر حلاطین افغانه بهلی

<p>فیاض الدین بن فتح خان نیره فیروز شاه بعد بدو بر تخت نشست          پنجاه ماه پادشاهی کرده گشته شد بعد از سلطان ابوبکر بن ظفر خان بن          فیروز شاه در امر بر تخت نشاندند بعد از دست محمد شاه عموی خود          گشته شد مدت سلطنت          ابوبکر یکسال شش ماه</p>	<p>سلطان فیروز شاه برادرزاده محمد تغلق شاه مذکورین سال در حبس بعد          وفات محمد تغلق عموی خود به پیر بخاه سنگی بر تخت و بهلی نشست و عمارت          بسیار بنا ساخت و بعد از نود سال بعد حکومت تسی و هشت سال و نه          ماه و نه گشته در گذشت وفات          فیروز در تاریخ وفات او است</p>
<p>سلطان بایون سکندر ثانی بن ناصر الدین محمد شاه بر تخت سلطنت          نشست و بعد حکومت چهل و پنج روز وفات یافت</p>	<p>ناصر الدین محمد شاه که بهی پسر فیروز شاه بعد ابوبکر بر تخت سلطنت          نشست سه سال و هفت ماه حکومت کرد و بتاریخ هفدهم شمس          ربیع الثانی گشته بحبری وفات          یافت</p>
<p>نصرت شاه بن فتح خان بعد از رحلت صاحبقران و گریز خود شاه در آن          بدین متصرف شده و در گشته از اقبال خان گریخته در سیوات فوت          شد مدت سلطنت یازده ماه</p>	<p>سلطان ناصر الدین محمود شده بن ناصر الدین محمد شاه برادر سلطان          بایون بعمر ده سالگی بر تخت نشست با دمی نصرت خان بن فتح          خان بن فیروز شاه جنگ داشت و بعد آن امیر تیمور رسید و          ستان اندازوی شکست یافته بگرات گریخت و از آنجا بجنوب آمد          چند حکومت کرد و بدو پادشاه گشته وفات کرد مدت حکومت نزد در نود و سه          و پنجاه</p>
<p>دولت خان پسر ناصر الدین محمود شاه را امر بعد وفات سلطان محمود          پدرش بر تخت نشاندند و در گشته در جنگ خضر خان گرفتار آمده و قتل          فیروز آباد عقید شده وفات کرد مدت حکومت یکسال و سه ماه</p>	<p>اقبال خان پسر ظفر خان بعد فتح یافتن بر نصرت خان در گشته بر تخت          دلی نشست و در گشته در جنگ خضر خان حاکم ملتان بقتل          رسید مدت سلطنت شش          سال</p>
<p>سلطان مبارک شاه پسر خضر خان بعد از پادشاه و بهلی شد و در          امر او را شش پدید کرده برادرزاده اش را بر تخت نشاندند          سلطنت هجده سال و سه ایوم</p>	<p>سلطان خضر خان ابن ملک سلیمان قوم سادات اول از طرف          فیروز شاه حاکم ملتان بود صاحبقران هم هنگام مراجعت از بندوستان          حکومت الزولایت بر مسلم داشته در گشته بعد فتح یافتن بر دولت خان پادشاه          بدلی شده و در گشته وفات کرد مدت سلطنت هفت سال و دو ماه و دو ایوم</p>

ذکر سلاطین افغانه و بلی

<p>سلطان علاء الدین پسر محمد شاه بعد از بر تخت نشین و بلی شد بسیار سنت و عاجز بود در ششماه از پهلوی لودوی که از امرای خود بود جنگ شکست یافته در بدایون رفت و بران قایل بود در ششماه در گذشت مدت سلطنت هفت سال ماه</p>	<p>سلطان محمد شاه بن فرید خان بن خفر خان برادرزاده مبارک نشسته بعد از بر تخت و بلی ششماه در ششماه بر سر وفات یافت مدت سلطنت دو از ده سال دو ماه و ایوم</p>
<p>سلطان علاء الدین سکندر شاه بن سلطان پهلوی لودوی بعد از پدید بر تخت و بلی ششماه بسیار عادل و دیندار بود در ششماه بومی اگره را تختگاه خود ساخت و در ششماه فوت کرد مدت سلطنت بست و یکسال چند ماه</p>	<p>سلطان پهلوی لودوی حاکم ملتان در ششماه در زمانیکه سلطان علاء الدین بن سلطان محمد شاه در بدایون بود در جمیع احوال او بر سلطان تذکره که حراست و بلی داشت مستولی گشته باد شاه و بلی شد در ششماه وفات یافت مدت سلطنت سی ششماه د سال ششماه و هشت روز</p>
<p>سلطان ابراهیم بن سکندر شاه لودوی در ششماه بعد پدید در اگره تخت نشین شد در ششماه در جنگ ظهیر الدین بابر با شاه گشته سلطنت افغانه از نیاتمام شده از بابر شاه سلطنت نبردستان در اولاد امیر تیمور محمدت سلطنت ابراهیم لودوی بنده سال چند ماه</p>	
<p>جدول دوم در ذکر اسامی ابامی گرام و اجداد عظمی حضرت امیر تیمور صاحب قران گورگان حضرت آدم علیه السلام</p>	



ذکواجد امیر تیمور و صاحبقران

<p>امیر خان بن کورخان بعد پدر بادشاهی کرد</p>	<p>کن خان بن اخورخان بن سید خیل خواجه وزیر مغان و سال کرد</p>	<p>اخورخان بن قراخان بادشاه الشان بود بسیار فرزند و خدیو است و عقیده فرزند بوده اکثر ملک ایران و ترکستان و فرج نقیبه خود آورد</p>	<p>قراخان بن منل خان بجا پدر باد شاه شد و خلق را اسوده بود که قراقرم عمارت بنا کرد</p>	<p>منل خان بن الیز خان سرور مسلک بود و بعد امیر تیمور است ملک گرو عادل بود</p>
<p>امیر خان بن کورخان زاهد زیاده سنی بود و بعد آن ترکان مست و لا عقل شد مذمت و تمار و پسند داشت</p>	<p>کیوک خان بن دیباخان بروجب و میت پدر بیشتر واقعا خانان شد</p>	<p>ویساخان بن ایلیخان پدر سبب ضعف و پسران و جان شین ساخت</p>	<p>ایلیخان بن ترک و اخیر عمر پدر برکت نشست و بچگان عقل و او سلطنت کرد</p>	<p>ترک بن یافت صحیح ترک و منل اولاد ایشانند بادشاه اول در ملک مشرق زمین شده از چوب و گاه خانه ساختن و لباس پارچه پوشیدن اختراع اوست مذمت در عهد امیر تیمور شده</p>
<p>حضرت یافتن بن حضرت نوح عبد السلام حضرت نوح بعد نوح پرسیده پس از آن طرف فرستادند حضرت یاسا پادشاه نوان متغلاب چنین عنايت کرده و اولاد ایشان درین ملک شده و بعضی روایت زیاده در این</p>	<p>حضرت نوح علیه السلام بن ملک اولاد القرم درم است که مذمت کرده پس از آن طرف فرستادند حضرت یاسا پادشاه نوان متغلاب چنین عنايت کرده و اولاد ایشان درین ملک شده و بعضی روایت زیاده در این</p>	<p>ملک و لامک و ملک و ملک ز طغان اسیر او ایشان آمده اند بن موشیح عمر یکصد و چهل سال</p>	<p>حضرت موشیح بن اخنوخ عمر نصد و نود سال</p>	<p>حضرت اخنوخ ملقب به ادریس بن برادر موشیح شدت و چنگال ارستو و جمیع علوم حکمت بودند</p>
<p>حضرت بردین بن یاسا بن و در سال یا پنصد و شصت سال</p>	<p>حضرت تمیس بن قیسان عمر چهل یا پنصد و شصت یا شصت صد یا شصت و نود چهل سال</p>	<p>حضرت قیسان بن قوش عمر نصد و شصت یا شصت و چهل یا پنصد و شصت سال</p>	<p>حضرت انوش بن شیت علی السلام عمر شصت و شصت سال یا نصد و شصت و چهل سال</p>	<p>حضرت شیت علی علیه السلام بن آدم عمر نصد و نود و نوزده سال</p>

ابوالبشر آدم معنی اولاد علیه السلام گندم گون مجید عمر هر سال قد آدم شصت گزار لطفه او بیت و یک ذکر و بیت انانث پیدا  
شدند و بر روی آدم چهل هزار کس از اولاد او و احقاد و بوجو و آمدند

جدول سوم در ذکر بادشاهان اولاد امیر تیمور که دریند و نشان بادشاهی کردند مع سنین ولادت  
و جلوس و وفات و مدت عمر و سلطنت و تعداد اولاد و نام و زرا و امارت  
مقبوضه و مقبوضه و غیره و بر برخی کیفیت آنها



ذکر پادشاهان و پهلوانان و امیر تیمور

لحبر	نام پادشاه	سال ولادت	محل ولادت	سال جلوس	محل جلوس	سال وفات	محل وفات	مدت عمر	مدت سلطنت
	امیر تیمور	شب سهشنبه	در خط کش	روز چهارشنبه	شهر بلخ	شب چهارشنبه	سواد	هفتاد و یک سال	سی و پنج سال
	صاحبقران	تاریخ زینبیم	که از بلاد	و دوازدهم	که در السلطنت	بفصل شعبان	سمرقند	تقریباً	تقریباً
	گورگان	شعبان و بیستم	توران است	رمضان المبارک	سمرقند است	شعبان و بیستم		پانزده ماه	پانزده ماه
		از وطن نیکینه	مشهور است	شعبان و بیستم				دوازده روز	بیست و یک روز
اولاد امجاد	<p>اول غیاث الدین جهانگیر میرزا اولی عهد بود پیش صاحبقران وفات یافت و دوم عثمان میرزا ابن تیمیش پسر زلمت نمود سوم میران شاه که بعد سلاطین هندوستان است چهارم شاه رخ میرزا که بعد امیر تیمور پادشاه ایران ترکستان و خراسان بوده هجرت در سلطنت او بود و ولادت او در ششم و سلطنت پیش پدر در خراسان ۳۳ سال بعد پدر ۳۴ سال وفات در ششم است ششم میرزا بیخ پسر داشت الف بیک میرزا ابراهیم میرزا سلطان بایسنگ میرزا سپهر شمس و محمد جوکی بهادر و صاحب قران و ایک دختر بود سلطان نجات بانوبیکم</p>								
وزراء امرا	<p>اول سیور غمیش اغلق بعد از آن امیر شیخ نوالدین و امیر شاه ملک و بر دی بیک خان و امیر نریندی و نوالی و سیف و امیر تیمور و او امیر سیف الدین و امیر شمس الدین و امیر و امیر و اولادش شاه و غیره امر بسیار بودند و نیز در سرحدات و چهار وزیر و جنود پادشاه و بیعت وزیر تابع و یوان داخل و خارج</p>								
ممالک مغربیه	<p>در بیعت سلطنت در اکثر وجه سکون در ایران و توران و ترکستان و کردستان و فارس و کاشغر و بدخشان و خراسان و خوارزم و مازندران و طبرستان و کیلان و ادریس و بلخ و عراق عرب و عراق عجم و کرمان و کبج و طبرستان و روم و شام و مکه و مدینه و هندوستان خطبه بسکه بنام او خوانند و در اوده تیسر ملک خطبه بود و در موضع اتر از اعمال ترکستان که از سمرقند سقند و شمس فرسخ است صاحب و امیر شده وفات یافت</p>								
کیست	<p>چون عمر امیر تیمور در بیست و پنج سال رسید خوار امیر حسین که از اولاد چنگر خان بود خواستگاری نمود و در آن زمان از بدلتی بعد از متوکل سلطان ابو سعید خان بر یک بکلی شرف بود امیر حسین و امیر تیمور متفق بودند تمامی ماوراءالنهر را مالکند دیگر شرف آوردند و نزد خرد میان امیر حسین و امیر تیمور که دوت واقع شده اگر از امر از بد خلقی امیر تیمور متوکل بود امیر تیمور به اتفاق امرالشکر به بلخ بر سر امیر حسین کشته بقدری بختند و بفر اعمالی تاج سلطنت بر سر گذاشتند و از آنجا اطرف خط کش آمد به سمرقند را با می تحت ساختند و عمارت عالی بنام نمودند و در آنک مدت بحال آبادی رسید بعد از آن حسین خان حاکم ترکستان را مستأصل نمود بعد از آن تمام عمر و تیمور دیگر ممالک ما قلم عرفه و فاته و فاته کرد</p>								

ذکر پادشاهان و ملی از اولاد امیر تیمور

لسبر	چو شاه	سال وفات	محل ولادت	سال جلوس	محل جلوس	سال وفات	محل دفن	عمر	سلطنت
	سلطان عبدالرحمن میران شاه خلف سوم صاحبقران	روز پنجشنبه چهاردهم ربیع الثانی شعبان	دارالسلطنت	روز چهارشنبه در اولدی باجان	محل جلوس	بیت چهارم و تقعه شعبان	متصل سرود در سواد تبریز	چهل سال قمری چهار ماه ده روز	در سال
	ابابکر میرزا علی پسر زاعم میرزا خلیل سلطان محمد میرزا ایدیل میرزا سیور غنمش میرزا								
									او تا اتحاد
									وزارت
									کامی سعادت وزارت با اختیار ابابکر میرزا پسر کاشان بود و درگاه میران شاه در لشکرا از اسپ پر زمین اقتاد و از ضربات سرو برو افتاد علی نیافت ازان باز ترک سلطنت کرد و حکومت کل به ابابکر میرزا سپرد و بعد وفات صاحبقران سکه طبعه بنام پدر خود میران شاه در اذربایجان و غیره جاری داشت
									وزارت
									وزاریات صاحبقران حکومت عراق عرب و عجم و اذربایجان و دیار بکر و شام و بعضی ممالک منقوصه هندوستان بایشان متعلق بود
									ممالک مقبوضه
									کیفیت
									چون در سال هجدهم از وفات صاحبقران گذشت قزاقیوسف ترخان که از عهد صاحبقران بر سر سلطنت در سر داشت چند مرتبه با میران جنگ نمایان نموده سر لشورش بر داشتند او را با بجان را نیز متصرف شده با سپاه عظیم در حوالی تبریز آمدند و ابابکر پسر خود میران شاه را همراه گرفته محاصره کرد و منهرزم گردید و میران شاه کشته شد و قزاقیوسف فتح یافته آخر در جنگ شلیخ بن صاحبقران در شب چهارم از سینه میرزا

ذکر بادشاهان و پهلوانان و امیر تیمور

نام پادشاه	سال سلطنت	محل ولایت	سال جلوس	محل جلوس	سال وفات	محل وفات	دوره عمر	دوره سلطنت
سلطان محمد میرزا	از بنین مهرش	مقام اول	اول بار او خود	بعده همراه	در ششم	در پنج بزرگ	دوره عمر	دوره سلطنت
بن جمال الدین	باز سال ولایت	بهم معلوم	میرزا خلیل سلطان	میرزا انبیب	یا در ششم	ششم الدین	معلوم نیست	دوره سلطنت
میرزا شمس	از بنین کتب یافته	نش	می بود	بن میرزا شایرخ	در بحرهای	کلال		
اولاد اتحاد	سلطان ابوسعید میرزا و سلطان بنوچهر میرزا							
وزر او امر	چون سلطنت نکردند امر او وزیران داشتند							
مالک مغرب	بلک گیرے نیز نیز در داشتند							
کیفیت	میگویند که ایشان از دین خود بازگشت تمام داشتند و همیشه با پسران خود میرزا خلیل و میرزا احمد پسرین بودند و میرزا خلیل بن پسران شاه بعد وفات صاحبقران در سمرقند نشستند و چون بود چه سال سلطنت کرد بسیار بخشند و ظریف طبع بود یعنی از بار و خروج کرده در قلعه شایر بن قید نمودند سلطان شایرخ با قوی آورده سمرقند را گرفت و میرزا خلیل را خلاصی داد و سمرقند را با یک داد و میرزا خلیل را سلطنت روی و بعد از او و سلطان محمد میرزا بعد از آن خلیل پسران شایرخ را بنیب و سمرقند ماند و بهای از بیماری ببرد							

ذکر پادشاهان هلی از اولاد امیر تیمور

شماره	نام پادشاه	سال ولادت	محل ولادت	سال جلوس	سال وفات	محل دفن	پیشتر	سپس	
۱	سلطان ابو سعید میرزا جهین پور سلطان محمد میرزا	۸۳۳	در بلده پتوند	در ششمین سال عمر و عتق	روز دوشنبه در نواح بیت دوم	چهل و سه سال پتوند	پتوند	پتوند	
سلطان احمد میرزا سلطان محمود میرزا سلطان محمد میرزا عمده شیخ میرزا سلطان علاء الدین بیگ میرزا ابابکر میرزا سلطان خلیل میرزا شایخ میرزا سلطان مراد میرزا		اولاد امیر تیمور							
اهتمام و ندادت اکثر فرزندانش بود		قدرت امیر تیمور							
در کستان و ماوراء النهر و بدخشان و خراسان و کابل و قندهار و بعضی حدود هندوستان و عراق		ممالک مقربه							
ایشان اولی بموجب وصیت پدر برادرش ابوالفتح بن سلطان شایخ می بودند چون ابوالفتح از دست پسر خود میرزا عبد اللطیف گشته شد و مدتی ماه عبد اللطیف هم از دست لشکریان مقتول گشت بر میرزا عبد اللطیف میرزا شایخ بن سلطان شایخ غائب نموده بر تخت سمرقند جلوس نمود و شایخ را و اولادش را و سلطان حسین پیاورد و گوشت بیک گرم که بازی سلطان شایخ را بقتل رسانیده با پادشاه منتقل شد و آخر در جنگ حسن بیگ که قتل شد بقتل رسید		کیفیت							

ذکر بلاغت و بیانی از اولاد امیر تیمور

لمبر	نام بلاغت	سلطنت	محل ولایت	سال جلوس	محل جلوس	سال وفات	محل وفات	عمر	سلطنت
	سلطان عزیز مرزا پسر چهارمین سلطان سعید مرزا		در شهر سمرقند	در شهر سمرقند	در خط اندوختن	روز و شب	اطراف	سی و هفت سال	بیت شریعت
					که حکم اولاد فرغانه است	چهارم رمضان	سمرقند	تقریباً	تقریباً
اولاد اجماعاً	پادشاهان چهارمیرزا ناصر میرزا خان توپکیم پسر پادشاهان توپکیم پسر پادشاهان توپکیم								
در راه امرای	از امرای ایشان بر روی میر محمد کوکلتاش خان مسلم نشد								
ممالک مقرونه	لندرجان و ولایت فرغانه و تاشکند و شابرختیه و سمرقند و غیره								
کفایت	ایشان را پدر بسیار دوست میداشت حکومت اندوختن و نواح آن داده بود ایشان آن ولایت را که حدود هندستان بود توپکیم بنده فرمود که لشکر میگانه را بفرمان عبودان جسد و نمود بعد پسر را از ایشان بدام لغیبت علماء و مشایخ و پیش خدا شناس خصوصاً بخت خواهر عبداللہ حرار بسری برد و بسیار عاقل و سخن خیم و سخن و صاحب مروت و کم بود و در سمرقند کفایت که حکم اولاد پادشاهان بود بر کبوترخانه که آن واقع بود بر تپه سیر کبوتر بند سیر کرد که سفت آن شوق شد سلطان را فرصت بر چشیدن مذا و جان بسوق تقریباً								

فکر پادشاهان و بی از اولاد امیر تیمور

لبر	نام پادشاه	سال ولادت	محل ولادت	سال حاکم	محل حاکم	حال وفات	محل دفن	بیت عمره	بیت سلطنت
	ظفر الدین محمد بابر پادشاه بکر گسی سلطان شیخ میرزا بعد وفات خود در جگر خان مکانی	ششمین ماه ششمین ماه ششمین ماه	دندان دوجان تنگناکاه فرغانه است	روز سه شنبه پنجمین ماه ششمین ماه	در خط ولکشا اند دوجان ششمین ماه	روز دوشنبه ششمین ماه ششمین ماه	باکر آباد وفات یافتند در کابل دفن شدند	در چهل و پنجمین سال فترت چهار ماه دومین سال	بیت سلطنت بیت سلطنت بیت سلطنت
اولاد امجاد	بمایون میرزا کامران میرزا مسکری میرزا ابندال میرزا گلخانگ بیگم گل جبر بیگم گلبدن بیگم								
وزراء امرا	میر نظام الدین خلیفه امیر شاه منصور سلطان میرزا خواج کلان بیگ میر دریش محمد خواج کلان بیگ میر دار سلطان محمد و بیگم مولانا یوسفی شیخ زین الدین شیخ ابوالواحد میرزا البقا								
حاکم مقبوضه	سمرقند ولایت فرغانه بخشان کابل قندهار مغان لایمورد علی اگر سببش گو ایار بود و بکار جویمور هاره ایشان را از ابتدای جلوس بسیار گشت و جهات ملک گیری همیشه در پیش ماند چنانچه تا یازده سال در راه در الهز با سلاطین چغتای و از یک کارزار مورد و توفیق بر سر سلطان احمد میرزا عمومی خود کشتند و سمرقند را فتح نمود بعد بخشان را از خسر و شاه گرفت باز چند بار کابل و قندهار بزرگ نامزد فتح کرد پیش ازین اولاد صاحبقران را میرزا میگفتند ازین فتوحات در ششمین خود را پادشاه قرار داد								
کیفیت	ایشان بعد از قندهار بخشان کردند و تادریای سنده نواح مغان و پنجاب و میواده گزشتند آخر در سنه در میدان یانی بیت با سلطان ابراهیم لودیس پادشاه دلی جنگ عظیم واقع شد بمیرزا پادشاه و ولده فرار سوار بود با سلطان ابراهیم یک کلمه فرج سلطان ابراهیم با بیعت فرار سپاه خود گزشتند و بهار پادشاه خمر یافته داخل دلی شدند بسیار خزان بود و مایون پس خود را با گره فرستاد و در اینجا بگریخت که از اولاد را بگریخت که از اولاد را بگریخت که از اولاد را بگریخت و در فتح پور سیکدی فرود پیوستند شاه و در آن سال که در ولکجه سوار بمراه داشتند بیکار نامورده فتح یافت و تمام آن ملک را چند بار سفر سخت و انجام کار بخارمه تپه از دنیا بگذشتند و همه را بگذشتند								

ذکر بادشاهان و پهلوانان و اولاد میر تیمور

لبر	نام بادشا	سال ولادت	محل ولادت	سال جلوس	محل جلوس	سال وفات	محل وفات	مدت عمر	مدت سلطنت
۴	امیر لعل محمد بهایون بادشا مختار فرزند محمد بابر بادشا بعد وفات پادشاه استان قندهار	شب شنبه چهارم و پنجم ششم و هفتم از بطن مادر نیمه حضرت احمد جام	نور ادرک کابل تاریخ تولدش فرد ز قدر تاریخ دیگر شنبه صف بکن	مکه و بعضی ۱۳ ۹۳ بهره ساء	در شهر مستقر اگره عرب البر اباد بعضی سیرام سلطنت بکری	آخر در جمعه بستم بیج الاول و بعضی سیرام سلطنت بکری	در سواد و مقدم چهل و نهم سال در حواله از حضرت چهارده و نهم روز سلطنت لعل قدس سره	چهل و نهم سال تاریخ پیدایش تاریخ وفات ۶ ماه و پنج روز	مدت سلطنت
	<p>محمد حکیم میرزا محمد اکبر میرزا سلطان حکیم السیاسی</p>								
	<p>امیر نیک و بیک و ابر میرزا بیگ حضرت خواجگان علی قلی خان میرزا حضرت خان هزاره پیرام خان قنبر علی خان مشرف خان انقل خان مخاطب بطار الله خان صاحب دیوان خراج خواجهد الجید خان صاحب دیوان صاحب خواجده حسین و در میر علی پشتر و خان پشتر خان خواجده سلطان علی خواجده حسین خان برونی بکخان و چهل غلامان خاص برادر حضرت خاص معین بود</p>								
مالک مقروضه	<p>بعد جلوس تیسر قلمه کانی بود و حکام آنجا در دوزخ من ملاح دیگر سبب پیشکش نمود و مطیع شد در دبی قلعه کشته و از سر نو تعمیر کرد باز چون برادر از سلطان محمد دودی گرفت و بنگامه و بکار تقصیر خود نگذرد باز سلطان بیاد کرد که اتی را شکست داده چو بمنز سوره تمام داوره را مقام لیساب و قلعه تاتار خان بدست آورد و احمد آباد و گجرات را تا چایا پانی تصرف نمود و بعد از کابل و قندهار در پنجاب و دبی تا ملک نامی مذکور مفتوح مسافحه آخر در شنبه بکری در قنوج بیگ دم بسبب بی ایقان برادران از شیر شاه شکست یافته پاریان رفت</p>								
کیفیت	<p>بهایون در شنبه پادشاه طیم است ملاقات نمود شنبه و قیامه از دقایق بهماننداری و لوازم خاطر دلی فرود گذاشت بهایون بیک الماسی را از به باد و مد و بچه لعل بخشان بطریق تحفه و امیر شاه نمود بعد شاه ایران با دوزخ هزاره سوار مع پسر خود شاه برادر میرزا بیگ بهایون داده رحمت نمود در ششم بکری بهایون بقندهار رسیده در محاربه شش ماه قندهار از میرزا سگری برادر خود گرفت بیده کابل را از میرزا کابردان برادر خود بدست آورد و باز بخشان رحمت میرزا کامران که گزینمه لغری رفته بود و کابل یافته کابل متمرف شد بهایون باز بکابل آمد جنگ کرد و میرزا کامران با گرفته کرد و دیگر برادران را قتل ساخت و او انطرف خاطر جمع ساخته در شنبه بکری متوجه هندوستان شد اول لاهور مدالی تردد گرفت و بر شمشیر با سکندر شاه که هشتاد هزار سوار همراه داشت چهل روز جنگ نمود و آخر سکندر شاه را شکست داده در ششم بکری داخل دبی شد بعد بیفت ماه از بهایون بام اعتماد و وفات یافت</p>								









لمبر	نام پادشاه	سال ولادت	محل ولادت	محل جلوس	سال وفات	محل وفات	مدت عمر	بیت سلطنت
۱۱	طاهر الطغرلوی الدین اورنگ زیب عالمگیر بیادری پادشاه بن شایبجان بعد وفات خلد مکانی	در قیام و عهد مصاف ضرب گجرات	روز جمعه فروردین شهر گنجر از شمس بوشنت در باره بعد طرح جنگ برادر بیشنبه سپید و چهارم رمضان ۶۰۹	اول دیباج اعزاز آباد که طرف آرز است و نخلی در آن الخلافت شایبجان آباد	در دولت بیستم در قیام شمس بجورک	در مکه شریف دومین شهر بن آباد	نوده و یکسال سیزده یوم	پنج سال دوین و هشت روز

اول محمد سلطان از بنین نواب بانی نسبت بر واقعت محمد شجاع مقید شده بهایجا انتقال کرده و محمد معظم شاه سوم محمد اعظم شاه چهارم محمد اگر عالمگیر باغرای راجه پوتان جنگ کرده شکست یافته در ایران رخت و بهایجا انتقال کرده محمد کام بخش در سال بعد رحلت پدر وفات یافت و ختران اول نواب زیب الشایبکم که حافظه و عالمه و شاعر بود دوم نواب نیت الشایبکم سوم نواب زبده الشایبکم این هر سه از بنین در سن با نوبتیکم بود چهارم نواب محمد الشایبکم از هم بود

معظم خان میر جمیل وزیر معزازان قاضی خان وزیر معبدستان جعفر خان وزیر معبد ایشان اسد خان وزیر در خانجی خان طغر جنگ و غازی الدین خان غیره در جنگ و روح الشایبکی بخش ملک حسین قلیج بیادر و جمید الدین خان و نواب محسن خان و غیره مند خان میر بخششی دو البقار خان میر بخششی و عاقل خان و غیره امیر بسیار بودند

در شانزدهگی نورد و از و سالگی با فیلست جنگی مقابله کرده و در دهم سال جلوس پدر ولادت بکلمه مستخرج بود و در سال ستم پدر بیخ از مفتوح ساخته بعد جلوس خود ولایت کاروب و اشام کوچ و کادو شعلای پور و یجا پور و حیدر آباد و قلمه کول کنده را از اولگسن و انا شاه گرفته اورامقدس صحت و فتح اول که سبک و شیر ملک ستاد و قلمه زابری و قلمه نشت کده و دیوسان کده نمود و قلمه ستاره و قلمه بر نامه و قلمه در وان که قلمه گیلنا و قلمه را کده و قلمه پوتنه و قلمه و اکن کیسی و غیره تمام ممالک و کن را مستخرم ساخت تا آخر عمر به خاطر طرف ماند و اورنگ آباد کرده شهر نیاه اگر آباد و مستخرم بود و موتی مسجد قلمه شایبجان نهاد و مسجدی در ابر آباد و مسجدی در

چون شایبجان و ششم میباشند با ما لشکره را از دیلی باکره برود و با تمام سلطنت معروف شد و جزو اخبار و سبکات بود و این پهلوان که برادرش ملک بودند مندر و سبک ششم و دولای ایشان در انقیاد و از بنین محمد شجاع که در بنگاله بود بنگالان رحلت بدو بخت سلطنت بسبب و مراد بخش دیگر بن جلوس و اورنگ زیب از نوردنگ آباد بهر برادر رسید و معنی همادت به پادشاه برشت و در ان لشکره جویش فرستاد و نداد و فوج پادشاهی برای مقابله بر اوران روانه کرد و اول در برتاب کده بخت کرده از او معین بهر اورنگ زیب شمس عظیم و آن فرستاد فوج شاهی شکست یافت بعد خود در ان لشکره با فوج گران از ابر آباد جنگ اورنگ زیب آمد فریب اگر آباد رتلب لشک مقابله شد و در ان لشکره نبرد یافته بدلی رسید اورنگ زیب با فوج اعزاز جلوس نمود و بعد از مقدمه ختمه بر وی بخش را بخندان فرستاد و طاقت دار ان لشکره نورد و از ان لشکره نه نامور رسید و از لایمور تا به بلخان و بنینه بجز و فوج قلمه را در چران سرگردان اند و بن اثنا اورنگ زیب جزو شورش محمد شجاع شنیده فوج را متعاقب و در ان لشکره معین نموده بکوفت بنگاله فرستاد و در ان منزل از ان بر برای کمره جنگ قلمه واقع شد محمد شجاع شکست یافته منبرم شد و چند بیت سرگردان شده همان طرف آمد و در ان لشکره از ان طرف بگجرات آمد و معینی بهر رسیدند و در اجیر عالمگیر جنگ انداخت و شکست خورد و از بگجرات گتیت و از انجا که انشا الله بدلی مقبول شد و عالمگیر بجای سلطنت نمود و در اجیر امی احکام ان شرعی و دیامور است

امرونی بسیار مقید بود

ذکر بایستایان دهل از اول و اسیر شهریور

لسیر	نام بایستایان	سال ولادت	محل ولادت	سال جلوس	محل جلوس	بسال وفات	محل وفات	مدت عمر	مدت سلطنت
۹۳	سند شاه عظیم شاه بایستایان سسی در کنگ عالمگیر بایستایان	زاده شنبه روز پنجشنبه جمعی از بطن طرس از سیم بنت شاه نواز خان قزوین	در ساق دکن	روز جمعه مستم و یقین سینه پیکر بیلصد بید بکر	در صوبه احمدنگ محل اورنگ آباد	بعد از بیع اولاد سینه پیکر دفعه بجزی با دو سران خود محمد سیدانست مستقل مال او اراده جنگ بر او بیدار شد	در تبریز بایستایان بایستایان	پنجاد پنجسال در هفتاد ماه و شش نزد روز	در سه ماه و بیست روز
اولاد و بچاوار	در کسری سلطان و الامام دوم محمد سیدانست هر دو و پسران پدر بیک عماری قتل گشته شدند								
از راه اولاد	در عمره قتل سلطنت که سه ماه و بیست روز و اتفاقاً تقرر وزارت بر گشته								
ممالک مغرب	عالمگیر و حیات خود برای دفع مندمت بر سلسله پسران با بدین قسم قسم کرد و بعد از عظیم شاه را بگریزت ده کس و کام بخش را مال او و غیره و عظیم شاه در کابل و راه دور دهل بر کاه عالمگیر رحلت نمود و عظیم شاه در احمدنگ بعد از عازمه روزان وفات پدید بر تخت سلطنت جلوس نمود که در سرتیام ملک هندوستان در سرتیام بر تخت سلطنت								
کیفیت	<p>عظیم شاه در حکام رحلت عالمگیر که در کابل بود و در فرقت پدید جلوس برادر خود شنبه با سپاه عظیم بنفست هندوستان کرد و در ماهی با عظیم شاه نوشت که در تقیم بدین قناعت با بدین خود و در سن ملک و ضعیف بدین قناعت برادران بهترین عظیم شاه بسیار صاحب اراده و شجاع و خشمناک بود و در جواب نوشت که دو بایستایان در اقلین نه گنبد با شکرت خود بر سر چهار بگریزت که پنج روز و طبع از عظیم شاه با خود خود و در میان و در میان بود و تلافی ریساک طرفین در نمود و بیار سبب بعد از بیع اولاد و سینه پیکر تا دور در میان و در میان ماند از عظیم شاه مورخ</p> <p>و مقتول شد شش هزار سوار و پیاده با پنجاه</p> <p>سواران قتل گشته از طرفین</p> <p>بکار آمدند و محمد عظیم فتح یافته</p> <p>در ابرار جلوس نمود</p>								







ذکر بادشاهان و پهلوانان و امیران و قهرمانان

لیبر	نام بادشاه	سال ولایت	محل ولایت	سال جلوس	محل جلوس	سال وفات	محل وفات	دست خسر	سلطنت	
۱۶	شیرالدین بلبل فرکات زنج طبعات بن رفیع الشان بن بیادشت	ماه جماد الاخر ساله سمری زینب نوراالت سیکم ختر شیخ بان	دقده شایان آباد	بایج نسیم ربیع الشان ساله سمری	دقده شایان آباد یا در قلعه الکرب آباد	روز دوشنبه نور دوم حب ساله سمری برفین شایان و طاعت کونار که طاعت و درگذشت	در بقره های بادشاه	چهار ماه چند روز	سه ماه و نوزده روز	
					اور لای شان دیو جان بدست				اولاد امجاد	
									قطب الملک عبدالرشید خان دام الملک حسین عثمان عادل الهام خلد امرولت سلطنت بودند و دیگر امرا را پیش ایشان بیج فروغ نمود	فیزاه امرا
									در سلطنت شاه و پلوزه روز چهار گری میگردند	ساکت قهرمان
									برگاه سادات مذکور قریب امیر و کجول کرده اند ایشان از قلمه سلیم کرده که از وقت امیر الدین چمانه داشتند همبوس بودند و در برتخت نشاندند چون این بادشاه بسیار تحیف الکنوز و عادت بکر کنار داشتند در سه ماه پانزده روز برفین تپه و قی با جنل طبعی در گذشت	کیفیت



عزادین اولاد امیر تیمور

لبر	نام پادشاه	سال ولادت	محل ولادت	سال جلوس	محل جلوس	سال وفات	محل وفات	دوره حکومت	سلطنت
۱۷	دفع الذوات شاه جهان برادر صبح جالت بن صبح الشان بن صبح شاه	دوغرتی	پست و یکم جالت بن صبح	دقانه شاهی آباد	بصره سنة ۹۳۱	در مقبره ایلیون آباد	پانزدهم روز	سه ماه و چند روز	
	اولاد امیر تیمور								
	ایشان هم هیچ اولاد نداشتند								
	عبدالله خان حسین علیخان برتلی مهمات باوشی قابض و معروف بودند								
	ملک موردی داشتند که در عهد ایشان سلطان نیکو سیرین محمد اکر بن عالمگیر اورنگ زیب سعادت ترسین بزادی دعوی خان عالمدار در اکر آباد تخت شاهی نشسته بود حسین علیخان پادشاه را همراه گرفته بر سر نیکو سیر نصت نمود و بعد خارمه چند روز قلمه را مقتوح نموده نیکو سیر را بست آورده محبوس کردند								
	چون دفع الذوات استقلال خود را از حس بر آورده بوجه و میت پردازید پادشاهی رسانیدند ایشان هم شاهی بودند و نیکو سیرین پادشاه است که ماه و بست و پشت روز در اکر آباد از تخت شاهی بر گشته تا پادشاه نزل فرمودند فرج سیر و دفع الذوات در صبح الدوله بر سر پادشاه بفرموده نیکو سیر و یکصد و سی و یک فوت شدند تاریخ نو کردند که پادشاه بکسیل وفات یافت فرج سیر و در گرتی الدعوات به پیش پادشاه از میان دفع الدوله تاریخ جهان نوشته شد در این حرکت								